

قاجارها، فارس سازی، تغییر خط

دلایل پایان دادن به سلسله آذری قاجار و تاسیس دولت پهلوی در ایران به درستی و با اختصار در مقاله مشکلات آذری [داداش قزلباش] ذکر شده است. اسناد تاریخی، آرشیوهای طراحان و مجریان این پروژه یعنی وزارت مستعمرات بریتانیا و نیز تشکیلات جاسوسی-اطلاعاتی ام-ای-۶، خاطرات دست اندرکاران این امر مانند اردشیر ریپورتر و غیره همه گویای این واقعیت است که پایان دادن به حکومت تورکهای آذری در ایران و ساختن دولتی فارس از اهداف اولیه این مراکز بود.

عملیات و نیات آشکار انگلستان در این رابطه، در آن ایام در مطبوعات ایران و کشورهای مجاور و اروپایی نیز منعکس می‌شد که من به عنوان مثال یکی از آنها را ذکر می‌کنم:

”بیز احمد شاهی اونا گۆره تختدن یئندیرمه دیک کی شاهلیغی دوست توتموروق. خئیر، اوندان اؤتورو یئندیردیک کی قاجارلار تورک نسلیندن دیرلر... احمد شاهی بیخماقدان مقصدیمیز اولکه ده جمهوری اصول-ی ایداره سینی یاراتماق دئییلدی... بلکه قولدور صیفت قاجارلاری پاک، نجیب فارس پهلوی سولاله سی ایله عوض ائتمک ایدی...“

[جلیل ممد قولو زاده، ”مقصد نه ایمیش؟“، ”موللا نصرالدین“ ژورنالی، سایه ۱، باکو، ایل ۱۹۲۶]

ترجمه فارسی: «ما احمد شاه را به این دلیل که سلطنت را دوست نداریم از تخت به زیر نکشیدیم. خیر، او را از آن جهت ساقط کردیم که قاجارها از نسل ترکند... هدف ما از ساقط کردن احمد شاه برپا ساختن سیستم حکومت جمهوری نبود... هدف جایگزین کردن قاجارهای قلدرصفت با سلسله نجیب و پاک فارس پهلوی بود...»

[جلیل محمد قلی زاده، ”مقصد چه بود؟“ مجله ”ملانصرالدین“، شماره ۱، باکو، سال ۱۹۲۶]

ادعای مطرح شده در مقاله "مشکلات آذری" با واقعیات تاریخی منطبق است آنجا که می‌گوید سیاست رسمی دولت ایران در ممانعت از تغییر خط فارسی-عربی به فارسی-لاتین در جهت آسیمیلیسیون ترکهای ایران است. محمد علی فروغی [ماسون بزرگ، اجداد وی از یهودیان بغداد، تاجران تریاک از هندوستان و از اعضا فراماسونری ایران بودند] می‌گوید:

"من از کسانی هستم که خط ایرانی [فارسی] را ناقص و دارای معایب می‌دانم.... ما باید یک مدت عوض شدن خط ترکها [ترکیه] و ابقا خط حالیه خودمان را برای مصالح سیاسی مغتنم بشماریم و استفاده بکنیم. یعنی اختلاف خطی را که بین ترکهای ترکیه و ترکهای آذربایجان [ایران] حادث می‌شود وسیله دور شدن آذربایجانیها از ترکهای ترکیه و مزید بینونیت بین آنها قرار دهیم. ولو اینکه بالمآل مصلحت ما هم در اصلاح و یا تغییر خط باشد."

[از مکاتیب خصوصی مرحوم فروغی، مجله یغما، ۱۳۲۷، شماره ۷]

منظور این ایدئولوگ و نخست وزیر منتخب رضا شاه، بزرگ معمار رژیم پهلوی از "بینونیت" در این کلام دیگر وی توضیح داده شده است:

"اول اینکه باید خرسند و خوشوقت باشیم از اینکه مبتلا به تعهداتی راجع به اقلیتهای خودمان نشده ایم و عهدا و قانونا کسی نمی‌تواند به جامعه ملل و یا هیچ مقام دیگر از دولت ایران نسبت به این موضوع شکایت کند....ارمنی و یهودی و نصرانی [آسوری] چون عددا قلیل اند کمتر محل ملاحظه اند. ولیکن از سه عنصر ترک و کرد و عرب نباید غافل بود. حاجت به تذکار نیست که مجاورت خوزستان یعنی اراضی عرب نشین ما با عراق و مجاورت کردستان ما با ترکیه و عراق و مجاورت تمام شمال و شمال غربی ما که بسیاری از سکنه اش ترک زبانند با ترکیه، قفقاز و ترکستان، موجب نگرانی و بلکه مخاطره است.... برای متحد الجنس نمودن ایران، بهترین کارها نشر معارف فارسی و ایرانی است. اما آنهم

نه بطوریکه محسوس شود که می خواهند آنها را فارس کنند... اقلیتهای ما مایه ادبی و معارفی ندارند.

[یغما، شماره ۷، مهرماه ۱۳۲۹، سال ۳]

نیز این تثبیت مقاله که مصلحین و روشنفکران آذری مدافع و پیشگام تغییر خط از عربی به لاتین بوده اند صحیح است. علاوه بر میرزا فتحعلی آخوندزاده و ابوالقاسم آزاد مراغه ای که از پیشگامان و اصرارکنندگان این امر بشمار می‌روند، می‌توان از آیت الله ارومیه ای حاجی میرزا فضل الله مجتهد نام برد. این آیت الله آذری در فتوایی که در سال ۱۲۹۷ داده است چنین می‌گوید:

[فتوای میرزا فضل الله مجتهد ارومیه ای، جریده اختر، سال، ۱۲۹۷، شماره ۲۲]

«تغییر در خط کتب یا اختیار خطی جدید مطلق جایز است بلا اشکال. بلکه هر گاه موجب تسهیل تعلیم و تعلم و تصحیح قرائت بشود راجح خواهد بود. اگر کسی توهم بکند که این تغییر تشبیه به اهل خارجه است و جائز نیست، این توهم ضعیف است که اینگونه تشبیهات حرام نیست و الا استعمال سماور باید جائز نباشد.»

امضاء محفوظ